



① در گزارش‌های سازمان سیا گاه تعداد قایق‌ها و جزئیات تجهیزات جنگی طرفین به چشم می‌خورد.



① نیروهای عراقی، مهر ۱۳۵۹، در نزدیکی شهر خرمشهر. تحرکات دو طرف همواره توسط کارشناسان سازمان سیا رصد می‌شد.

دسته پیاده‌نظام مکانیزه می‌شدند. تصویری از مابقی نقاط استقرار نیروهای ایرانی گرفته نشد.»

اهمیت اسناد

در تهیه‌ی اسناد سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا با به اختصار سی‌آی‌ای، تحلیل‌گران و سازمان‌های فرعی زیادی دخالت دارند. در این سازمان بزرگ، زیرشاخه‌هایی وجود دارد که هر کدام تخصصشان در یک حوزه است؛ در دوره‌ی جنگ، بررسی و تحلیل مسائل ایران عموماً توسط تحلیل‌گران دفتر «شرق نزدیک و جنوب آسیا» انجام می‌شد و در اختیار روسای سازمان قرار می‌گرفت یا به درخواست وزارت‌خانه‌های خارجه، دفاع و... به دفاتر این وزارت‌خانه‌ها فرستاده می‌شد. گاهی نیز مقصد این گزارش‌ها دفتر ریاست‌جمهوری بود که بر اساس آن تصمیم‌های مهمی در حوزه‌ی سیاست خارجه اتخاذ می‌شد.

باشد، یعنی از جایی که یک آتش‌بار توپخانه‌ی صحرایی و یک آتش‌بار ضد هوایی هم از تاریخ [پاک شده] از آن به جای دیگری منتقل شده‌اند. یک آتش‌بار توپخانه‌ی صحرایی و یک آتش‌بار ضد هوایی دیگر در فاصله‌ی یازده مایل دریایی از جنوب‌شرقی آبادان باقی مانده‌اند. ۱۰. تحرکات در دو نقطه‌ی تجدید قوای ایرانی‌ها در جنوب‌شرقی آبادان در تاریخ [پاک شده] ادامه داشت. در شمالی‌ترین نقطه‌ی تجدید قوا در فاصله‌ی ۱۴/۵ مایل دریایی از آبادان، حدود ۳۵ قایق کوچک و پنج شناور باری نزدیک ساحل پهلو گرفته‌اند. دو جرثقیل قابل حمل با خودروهایی باری، یک جرثقیل چرخ‌زنجیری و ۲۵ خودروی باری در منطقه حاضر بودند. در جنوبی‌ترین نقطه‌ی تجدید قوا در فاصله‌ی هجده مایل دریایی از آبادان، سه قایق کوچک و دو شناور باری نزدیک ساحل پهلو گرفته‌اند. یک یگان پل‌سازی پی‌ام‌پی، یک بالگرد RH-53، یک بالگرد CH-47، دو جرثقیل قابل حمل با خودروهایی باری، دو جرثقیل چرخ‌زنجیری روی عرشه‌ی شناورهای باری، و بیست خودروی باری در منطقه بودند. یک آتش‌بار ضد هوایی از نقطه‌ی تجدید قوا دفاع می‌کردند. ۱۱. در تاریخ [پاک شده] نیروهای ایرانی مستقر در امتداد خط لوله‌ی آبادان-بندر ماهشهر در فاصله‌ی شش مایل دریایی از شمال‌شرقی آبادان شامل دو دسته تانک و دو

صحرایی ۱۳۰ میلی‌متری ام ۴۶، یک آتش‌بار خمپاره‌انداز و دو آتش‌بار ضد هوایی همچنان در فاصله‌ی پنج مایل دریایی از آبادان مستقرند. از تاریخ [پاک شده] یک گردان توپخانه‌ی صحرایی، دو آتش‌بار توپخانه‌ی صحرایی و یک آتش‌بار ضد هوایی از منطقه‌ای در فاصله‌ی شش مایل دریایی از آبادان به جایی دیگر منتقل شده‌اند. ۸. نیروهای ایرانی مدافع آبادان، شامل چهار دسته‌ی پیاده‌نظام، دو آتش‌بار توپخانه‌ی صحرایی، یک آتش‌بار ضد هوایی و دو یگان پیاده‌نظام‌اند. به‌تازگی، پل شناوری روی رود بهمن‌شیر، در فاصله‌ی پنج مایل دریایی از جنوب‌شرقی آبادان، در مختصات ۱۱-۱۹-۳۰ شمالی و ۲۰-۲۰۰۴۸ شرقی مشاهده شده است. این پل در تاریخ [پاک شده] موجود بود.

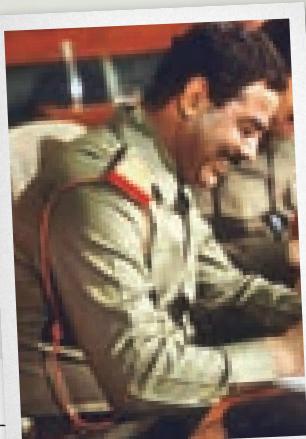
۹. یک آتش‌بار توپخانه‌ی صحرایی به‌تازگی در فاصله‌ی هفده مایل دریایی از جنوب‌شرقی آبادان، مستقر شده است. ممکن است این آتش‌بار از نقطه‌ای در فاصله‌ی هفت مایل دریایی از جنوب‌شرقی آبادان منتقل شده



سخنران مهم صدام

را در بر می‌گرفت. در همین جلسه که گویا بحث‌هایی درباره‌ی پایان دادن به جنگ مطرح شده است یکی از اعضای جلسه می‌گوید: «عالیجناب، آقای رئیس‌جمهور، با توجه به آخرین اعلامیه‌های اسحاق رابین، [او] صریحاً می‌خواهد جنگ [ایران-عراق] ادامه پیدا کند.» صدام جواب می‌دهد: «اسحاق رابین اهمیت ندارد، مهم این است که مطمئن شده‌ایم توطئه‌ای در جریان است و حتی دبیرکل سازمان ملل هم در آن همدست است.» و کسی که این حرف را مطرح کرده بود با صدام همراهی می‌کند و می‌گوید: «آه بله، او شریک جرم است.»

صدام به آمریکایی‌ها نیز اعتماد ندارد و می‌گوید که از ابتدا هم گفته است که «آمریکا دو چهره دارد، یک چهره‌ای که در مقابل ما نشان می‌دهد، اما چهره‌ی دیگری وجود دارد که هدفش مهار ایرانی‌هاست، نمی‌خواهد ایرانی‌ها شکست بخورند.» صدام در صحبت‌هایش کورت والد‌هایم، دبیرکل سازمان ملل، را فردی معرفی می‌کند که خود را بزه‌جوه می‌دهد اما خود شیطان است و طارق عزیز هم تأیید می‌کند و می‌گوید والد‌هایم هم دست آخر یک آمریکایی است. آن‌ها می‌دانند که والد‌هایم اتریشی است اما استدلال‌شان این است که بیشتر بودجه‌ی سازمان ملل را آمریکا تأمین می‌کند و طارق عزیز می‌گوید: «دبیرکل ساکن نیویورک است، منظرم این است که با همسر و فرزندانش آن‌جا زندگی می‌کند.»



بخشی از اسنادی که در آمریکا نگه‌داری می‌شود مربوط به نوآرهای صوتی جلسات کاخ صدام است. کینه‌ی عمیق صدام نسبت به ایرانی‌ها در اغلب نوآرها آشکار است. در یکی از نوآرهای پیاده‌شده که کوین وودز و همکارانش آن را متعلق به سال ۱۹۸۱ می‌دانند صدام در جلسه می‌گوید نباید ایرانی‌ها را دست کم بگیرند. او می‌گوید رهبران ایران فقط «عمامه» نیستند (صدام لفظ عمامه را مجازاً به معنای آخوند به کار برده): «آخوندهای شیطان هستند، توطئه کردن را بلدند و می‌دانند چگونه فتنه‌انگیزی کنند.» صدام که با احتمال فروپاشی سریع ارتش ایران جنگ را آغاز کرده بود و بعد از طولانی‌شدن جنگ غافلگیر شده بود، در ادامه‌ی صحبت‌هایش می‌گوید ایرانی‌ها «می‌دانند چطور با دنیا ارتباط برقرار کنند، چون آن‌ها نیستند که این ارتباط را برقرار می‌کنند. ببینید آیا ما می‌توانیم با دنیا ارتباط برقرار کنیم؟ همین حالا سعی کنیم از بازار سیاه سلاح بخریم. آیا می‌توانیم به همین روشی که ایرانی‌ها می‌توانند به سلاح برسیم؟ این صهیونیسم است، این صهیونیسم است که آن‌ها [ایرانی‌ها] را هدایت می‌کند. صهیونیسم دست ایرانی‌ها را می‌گیرد و کانال به کانال به هر حزبی معرفی می‌کند. منظرم صهیونیسم است - واقع بین باشید رفقا - لازم است هر بار تکرار کنیم؟ یعنی الان زمان مناسبی است تا جنگ عراق را تمام کنیم؟ با این وضعیت؟ از ویژگی‌های شخصیتی صدام سوءظن شدید او بود که از مردم عادی تا نزدیکان و اطرافیانش تا شخصیت‌های خارجی